

ORIGINAL ARTICLE

Palaces and gardens of Isfahan in early Islamic centuries based on historical documents

Abbasali Ahmadi^{1*}, Alireza Enteshari Najafabadi²

1. Associate Professor, Department of Archaeology, Faculty of Literature and Human sciences, University of Shar-e Kord, Shar-e Kord, Iran.
2. Archaeology, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares university, Tehran, Iran

Correspondence:
Abbasali Ahmadi
Email: a.ahmadi@sku.ac.ir

Received: 17 Aug 2023
Accepted: 27 May 2024

How to cite

Ahmadi, A. & Enteshari Najafabadi, A. (2024). Palaces and gardens of Isfahan in early Islamic centuries based on historical documents. *Iran Local Histories*, 12(1), 13-21. (DOI: [10.30473/lhst.2024.68261.2847](https://doi.org/10.30473/lhst.2024.68261.2847))

ABSTRACT

Most of the palaces of Iran's Islamic period belonged to later periods, and there are few remains of the palaces of the early Islamic centuries. Considering this deficiency and in the absence of archeological excavations, this research aims to explore and recognise the palaces and gardens of the early Islamic centuries of Isfahan, as one of the important centers of Iranian civilization between the first and 5th centuries of Hijri. It has been carried out by using historical sources and some contemporary researches and it tries to examine the situation of Isfahan in terms government buildings and noble palaces and gardens and identity their owners and location. The results showed that many palaces were built in Isfahan in the early Islamic centuries. They are divided into two categories: government palaces and gardens and private palaces and gardens. Since the first until third century of Hijri, government examples belonged to arab rulers and private examples mainly belonged to arab nobles. In the 4th and early 5th centuries of Hijri, with the selection of Isfahan as one of Al-e-Bouyeh's government centers, government and private palaces were mainly given to the members of this family. Although the change of the urban center of Isfahan from Jey to Yahudiyeh during the studied centuries, led to a change in the place of government examples; however, palaces and private gardens were built in both time periods, mainly on the edge of the river and the coast of Zayandehrud.

KEYWORDS

Isfahan, Garden, Palace, Jey, Yahudiyeh.



«مقاله پژوهشی»

کاخ‌ها و باغ‌های اصفهان در قرون اولیه اسلامی به استناد مکتوبات تاریخی

عباسعلی احمدی^{۱*}، علیرضا انتشاری نجف‌آبادی^۲

چکیده

بیشتر کاخ‌های دوره اسلامی ایران به دوره‌هایی متأخر تعلق داشت و از کاخ‌های قرون اولیه اسلامی، آثار اندکی برجای مانده است. با در نظر گرفتن این کاستی و در غیاب کاوش‌های باستان‌شناختی، در این پژوهش بازایی و بازشناسی کاخ‌ها و باغ‌های قرون اولیه اسلامی اصفهان، به‌عنوان یکی از مراکز مهم تمدن ایرانی در فاصله قرون ۱ تا ۵ هجری، مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش با بهره‌گیری از منابع مکتوب تاریخی و برخی پژوهش‌های معاصر انجام شده و سعی بر آن دارد تا در وهله نخست وضعیت شهر اصفهان را از نظر داشتن بناهای حکومتی و کاخ‌ها و باغ‌های اعیانی و سپس هویت صاحبان این کاخ‌ها و باغ‌ها و نیز مکان‌گزینی آن‌ها را مورد بررسی قرار دهد. بر اساس نتایج حاصل شده، در اصفهان قرون اولیه اسلامی کاخ‌های زیادی ساخته شده بود. این اماکن در دو دسته کاخ‌ها و باغ‌های حکومتی و کاخ‌ها و باغ‌های خصوصی قرار گرفته و در سه قرن اول هجری، نمونه‌های حکومتی آن به حکام عرب و نمونه‌های خصوصی عمدتاً به اشراف عرب تعلق داشته است. در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری، با انتخاب اصفهان به‌عنوان یکی از مراکز حکومتی آل‌بویه، کاخ‌های حکومتی و خصوصی عمدتاً به اعضای این خاندان تعلق گرفت. اگرچه تغییر مرکز شهری اصفهان از جی به یهودیه در فاصله قرون مورد مطالعه، تغییر مکانی نمونه‌های حکومتی را به دنبال داشت؛ با این وجود کاخ‌ها و باغ‌های خصوصی در هر دو مقطع زمانی، عمدتاً در حاشیه جی و ساحل زاینده‌رود ساخته می‌شد.

واژه‌های کلیدی

اصفهان، باغ، کاخ، جی، قرون اولیه اسلامی.

۱. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.
۲. کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

عباسعلی احمدی

رایانامه: a.ahmadi@sku.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۷

استناد به این مقاله:

احمدی، عباسعلی و انتشاری نجف‌آبادی، علیرضا (۱۴۰۳). کاخ‌ها و باغ‌های اصفهان در قرون اولیه اسلامی به استناد مکتوبات تاریخی. فصلنامه علمی پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۱۲(۱)، ۱۳-۲۱.

(DOI: 10.30473/ihst.2024.68261.2847)



مقدمه

جذابیت آثار دوره صفوی شهر اصفهان که یادگار پایتختی آن در قرون یازده و دوازده هجری است، میراث دیگر دوره‌های این شهر را تحت‌الشعاع قرار داده است. با این حال رجوع به بناهای برجای مانده و مکتوبات تاریخی، نشان می‌دهد این شهر در دوره‌های پیش از صفوی نیز اهمیت بسیار داشته است. اصفهان از همان قرون اولیه هجری، میزبان فاتحان عرب بود و برای این حکمرانان، جذابیت بسیار داشت. قرارگیری در کنار رودخانه زاینده‌رود، بهره‌گیری از خاک حاصلخیز، موقعیت راهبردی در فلات مرکزی ایران، به همراه گذر شاهراه‌های عمده تجاری، همواره بر اهمیت این شهر در این دوره می‌افزود. موضوعی که از یک سو این شهر را در کانون توجه حکمرانان قرار داده و از سوی موجبات رونق شهر و پیدایش طبقه اعیان و اشراف شهری بوده است. این حکمرانان و اعیان به پشتوانه قدرت سیاسی و اقتصادی خود، بناهای بسیار در این شهر برپا کردند که از مهم‌ترین آن‌ها، خانه‌ها، کاخ‌ها و باغ‌های زیبا بود. گذر زمان، بروز جنگ‌ها و توسعه شهر در دوره‌های مختلف، نابودی این آثار را موجب شده است. آثاری که روند ساخت‌وساز آن‌ها، از جمله عوامل اثرگذار بر ساختار شکلی و توسعه کالبدی اصفهان پیش از دوره سلجوقی بوده است. با توجه به مواردی همچون ناشناخته بودن عمده این آثار، نبود شواهد مادی برجای مانده از آن‌ها و همچنین فقدان کاوش‌های باستان‌شناختی، در این پژوهش سعی بر آن است تا با بهره‌گیری از مطالب متون و اسناد تاریخی، به بازمیابی و بازشناسی این آثار پرداخته شده و جنبه‌های روشن‌تری از ساختار شکلی، هویت مالکان، مکان ساخت، نحوه ارتباط با دیگر فضاهای شهری و ساختارهای معماری و نقش این آثار در توسعه شهری و تغییرات کالبدی اصفهان این عصر، مشخص شود. این کاخ‌ها را می‌توان بر اساس معیارهایی همچون مکان قرارگیری، نوع کاربری، شمول کاربری، هویت مالکان، دوره ساخت و چگونگی ارتباط با دیگر فضاهای شهری بررسی کرد. با این وجود در این پژوهش با توجه تغییرات تاریخ سیاسی اصفهان در دوره مورد بحث و تأثیرات مهم آن بر جنبه‌های گوناگون حیات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی این شهر، دوره زمانی ساخت، مهم‌ترین معیار دسته‌بندی کاخ‌ها و باغ‌های مورد بررسی بوده و دیگر معیارها در ذیل آن مورد توجه بوده است.

پرسش‌های پژوهش

کاخ‌ها و باغ‌های اصفهان در قرون اولیه اسلامی کدام موارد بوده و به چه دسته‌هایی تقسیم می‌شده است؟
بناها و باغ‌های شناسایی‌شده قرون اولیه اسلامی اصفهان به چه افرادی تعلق داشتند؟
مکان‌گزینی این عمارت‌ها و باغ‌ها چگونه بود؟

پیشینه پژوهش

در رابطه با کاخ‌ها و باغ‌های اصفهان در قرون اولیه اسلامی تحقیق مستقل و جامعی به عمل نیامده است و بیشتر محققان ضمن معرفی تاریخ و بناهای شهر اصفهان به اختصار به نام برخی کاخ‌ها و باغ‌های این دوره پرداخته‌اند. میرزا حسن خان جابری انصاری (بی تا) مورخ اصفهانی دوره قاجار از اولین مورخان معاصر است که به معرفی و جایابی کاخ‌های قرون اولیه اصفهان پرداخته است. هنرفر (۱۳۵۰)، رفیعی مهرآبادی (۱۳۵۲)، سروشیار (۱۳۵۴)، گلمبک (۱۹۷۴)، گلابی (۱۳۹۰) و همایی (۱۳۹۸) نیز به کاخ‌ها و باغ‌های اصفهان این دوره اشاره‌های مختصری داشته‌اند؛ در این میان پژوهش‌های همایی (۱۳۹۰، ۱۳۹۵، ۱۳۹۸) بیشتر از دیگران بر این موضوع تمرکز داشته است. نگارندگان این سطور پیشتر کاخ‌ها و باغ‌های اصفهان عصر سلجوقی را با رویکردی مشابه، مورد مطالعه قرار داده‌اند (احمدی و انتشاری، ۱۴۰۱)؛ با این وجود دوره زمانی آن پژوهش متفاوت بوده و با توجه به تفاوت ساختار شکلی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و جمعیتی اصفهان سلجوقی با اصفهان صدر اسلام، نتایج متفاوتی به دنبال داشته است. با توجه به مواردی همچون انجام نشدن پژوهشی مستقل در ارتباط با این آثار، اشاره نشدن به نام برخی نمونه‌ها در پژوهش‌های یاد شده، وجود برخی تحلیل‌ها و اطلاعات نادرست و همچنین گسترش اطلاعات ما از کاخ‌ها و باغ‌های اصفهان پیش از دوره سلجوقی، انجام این پژوهش و بازمیابی و بررسی موضوع، ضرورت یافته است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به روش تاریخی با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده و با توجه به نبود آثار کاخ‌ها و باغ‌های صدر اسلام و شواهد و کاوش‌های باستان‌شناختی مرتبط بدان، داده‌های مورد استفاده در آن به مکتوبات و اسناد تاریخی محدود بوده و به شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردیده است. منابع مکتوب مورد استفاده شامل تواریخ عالم، تواریخ دودمانی، تواریخ محلی، متون جغرافیایی و دیوان‌های

اشعار و مدارکی همچون وقف‌نامه‌ها و برخی پژوهش‌های معاصر بوده است.

یافته‌های پژوهش

عمارت‌ها و باغ‌های اصفهان در قرون اول و دوم هجری

کهن‌ترین کاخ‌های شناخته شده اصفهان را می‌توان مربوط به پیش از اسلام دانست؛ بر اساس گفته استرابو (۱۳۹۶: ۳۱۸؛ دی‌پلانپول، ۲۰۰۶) و همچنین تعدادی از الواح ایلامی باروی تخت جمشید (هنکلمن، ۲۰۰۸: ۳۱۳-۳۰۸)، احتمالاً بتوان گفت اصفهان در دوره هخامنشی میزبان کاخی از شاهان هخامنشی بوده است. همچنین گزارش‌هایی مبنی بر ساخت کاخی توسط پیروز ساسانی در حومه شهر جی وجود دارد (آوی، ۱۳۸۵: ۳۹-۴۰). بنابر نوشته ابن‌رسته، خسرو اول ساسانی، کاخ‌هایی در نواحی اصفهان برای هریک از کودکان همدرشش ساخته بود که از لحاظ وسعت و اندازه مشابه قصر پادشاه بوده و تا زمان ابن‌رسته پابرجا و مایه مباهات بازماندگان آن‌ها بوده است (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۸۲ و ۱۸۱).

در زمان خلافت عمر بن خطاب و کمی بعد از نبرد نه‌اوند، اصفهان به دست مسلمین فتح شد، از این زمان به بعد بود که قبایل مختلف عرب (ر.ک: یعقوبی، ۱۳۹۳: ۴۱) برای برپایی حکومت و ایجاد زمینه‌ای برای فتوحات بعدی از کوفه و بصره به اصفهان آمده و در آبادی‌های مختلف آن ساکن شدند (شرافت و زرناس، ۱۳۹۵: ۵۳-۵۰). اصفهان نزد اعراب در قرون نخستین اسلامی اهمیت بسیار داشت؛ بدین سبب از آن به‌عنوان سرزمینی که سنگش سرمه و گیاهش زعفران است، یاد کرده‌اند (ابونعیم اصفهانی، ۱۳۹۷: ۱۵۳). در دوره اموی اشخاصی تحت عنوان نواب از طرف خلفای اموی (به‌ویژه در زمان مروان) عهده‌دار امورات نواحی داخلی ایران و نواحی اصفهان بودند. در اواخر این دوره، اصفهان نزد گروه‌های سیاسی مختلف نیز از اهمیت برخوردار بود؛ به‌طوری‌که مدتی تحت محاصره خوارج قرار گرفت و همچنین یکی از نبردهای میان بنی‌عباس و بنی‌امیه، در آن صورت می‌گیرد (جابری انصاری، ۱۳۷۸: ۱۱-۱۲). در قرن دوم هجری، اصفهان توسط کارگزاران حکومتی خلافت عباسی اداره می‌شد. یکی از اولین حاکمان عباسی اصفهان، ایوب بن زیاد، معاصر منصور عباسی، بود. از اقدامات مهم وی سکونت و ساخت‌وساز در آبادی‌ای به نام خشینان، در غرب جی و نزدیک مناطق یهودی‌نشین بود (ابونعیم اصفهانی، ۱۳۹۷: ۱۲۹-۱۲۸).

مرکز اصفهان در این زمان همچون دوره ساسانی شهر جی بود. مکان جی در کنار زاینده‌رود و در جایی که امروزه شهرستان نامیده می‌شود (مجاور پل شهرستان) قرار داشت (شجاعی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۶۷-۵۹). پس از فتح اصفهان، قلعه ساسانی جی که شامل دیواری مدور با چهار دروازه و صد برج بود، برای اولین بار به‌طور گسترده مسکون شد. اصفهان در این سال‌ها شامل دو شهر جی و یهودیه بود (یعقوبی، ۱۳۹۳: ۴۰) و تا قرن چهارم هجری جی مهم‌ترین شهر به شمار می‌آمد (شجاعی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۵۹-۶۰). با این حال اقدامات ایوب بن زیاد آغاز فرایند انتقال مرکزیت منطقه، از جی به یهودیه بود (رجایی، ۱۳۸۸: ۵۵-۶۶). کاخ‌ها و عمارت‌های این دوره به قرار زیر بوده است:

سرای ورازان (دارالخراج جی) - این بنا که شامل محوطه‌ای وسیعی می‌شد، به یکی از اشراف ساسانی به نام وراز فرزند وراز تعلق داشت. پس از فتح اصفهان، اعراب در سرای ورازان ساکن شده و قسمتی از آن را به مسجد جامع جی و قسمت دیگر را به دارالخراج و دارالحکومه خود تبدیل کردند، از این‌رو به دارالخراج جی، سراورازان و سرابرزان نیز می‌گفتند که لغت اخیر در شعری از ابومنصور بن بزرجمید (ر.ک: مافروخی، ۱۴۳۱: ۱۰۸) هم آمده است (همایی، ۱۳۹۸: ۳۵۹-۳۵۶). قرارگیری بناهای حکومتی و اداری همچون دارالاماره و بیت‌المال در کنار مساجد، سستی بود که از اوایل دوره بنی‌امیه در شهرهای تازه‌ساز و تسخیر شده، اجرا می‌گردید (عبدالستار عثمان، ۱۳۷۶: ۲۲۴-۲۲۳). با توجه به مکان قرارگیری مسجد جامع جی که براساس کاوش‌های باستان‌شناسی دهه پنجاه شمسی، مشخص گردیده (میرفتاح، ۱۳۵۵) و با مکان امروزی مدارس شهید سیامکی و شهید معتمدی منطبق است (ذاکر عاملی، ۱۳۹۶: ۵۲)، می‌توان گفت که محل قرارگیری بنای دارالخراج بر تپه جی واقع در ساحل جنوبی زاینده‌رود و نزدیکی پل شهرستان بوده است.

قصر ایوب بن زیاد - به گفته ابونعیم اصفهانی این کاخ توسط ایوب بن زیاد، کارگزار منصور عباسی بر ساحل نهر فرسان در دهکده خشینان به همراه بناهایی همچون بازار، مسجد و میدان بنا شد (ابونعیم اصفهانی، ۱۳۹۷: ۱۲۹). در ارتباط با محل امروزی دهکده خشینان به‌عنوان مکان قرارگیری این کاخ، برخی آن را در حوالی امامزاده اسماعیل اصفهان (گلمبک، ۱۹۷۴: ۳۴؛ هنرفر، ۱۳۴۸؛ همایی، ۱۳۹۰: ۷۱-۴۹)، برخی در شمال شرق شهر قدیم اصفهان (همایی، ۱۳۹۸: ۲۰۸ و ۳۶۲) و بعضی آن را در شمال مسجد جامع اصفهان دانسته‌اند (مه‌ریار، ۱۳۸۶: ۳۹).

اصفهان امروزی، در کنار قصر یحیی در شعر مدینی و ذکر آن در کنار ریض جی، سوق‌المدینه و سوق‌العتیقه در وقف‌نامه احمد بن محمد بن رستم، به نظر می‌رسد این قصر در پشت دیوارهای شهر جی و در نزدیکی بازار مشهور آن قرار داشته است. با توجه به نوشته‌های مافروخی، بازار جی، جورین نام داشته و در مقابل دروازه جور واقع بوده است (آوی، ۱۳۸۵: ۴۰). دروازه جور یا خور نیز در جنوب شرق باروی جی بود (شجاعی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۷۱)؛ از طرفی، ابن‌حوقل در قرن چهارم هجری پس از برشمردن نام کاخ‌های اطراف زاینده‌رود، از مکانی در نزدیکی رودخانه و آسیاب‌های آبی، به نام ساباط یاد می‌کند (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۷) که به نظر می‌رسد همان ساباط یاد شده در متن وقف‌نامه باشد. با درنظر گرفتن مجموع شواهد یاد شده، به احتمال زیاد قصر یحیی در حوالی دروازه جور، بر کرانه زاینده‌رود و در شمال پل شهرستان قرار داشته است.

قصر صخر بن سدوس - نام قصر صخر در کتاب محاسن اصفهان مافروخی دیده می‌شود (مافروخی، ۱۴۳۱: ۱۰۶؛ آوی، ۱۳۸۵: ۵۲) و بنابراین از کاخ‌های اصفهان در دوره سلجوقی بوده است؛ با این حال همچون قصر فرقد پیشینه‌ای کهن‌تر از این دوره داشته است. به نظر می‌رسد که صاحب اولیه این کاخ جد محمد بن محمد بن صخر بن سدوس (درگذشته ۲۶۸ ه.ق) (ر.ک: ابوشیخ انصاری، ۱۴۰۷: ۲۸) بوده باشد (همایی، ۱۳۹۸: ۳۵۱؛ احمدی و انتشاری نجف‌آبادی، ۱۴۰۱: ۱۵-۱۴). همچنین مافروخی مکانی به نام طهران یا تیران را در بیرون از دیوار شهر به‌عنوان مکان آن معرفی می‌کند که با تیران و آهنگران امروزی منطبق است (سروشیار، ۱۳۵۴: ۳۶؛ گلابی، ۱۳۹۰: ۱۰۸؛ احمدی و انتشاری نجف‌آبادی، ۱۴۰۱: ۱۴-۱۳). این آبادی مسکن اعراب بنی تیم بود (آوی، ۱۳۸۵: ۸۹)؛ با توجه به موقعیت باروی یهودیه (شجاعی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۶۷-۷۰)، پس از احداث دیوار شهر، این آبادی در خارج از اصفهان و در حومه شمالی آن واقع شد تا این‌که با گسترش اصفهان در دوره جدید به محله‌ای از شهر تبدیل شده است.

عمارت‌ها و باغ‌های اصفهان در قرن سوم هجری

در این قرن تحولات زیادی در تاریخ سیاسی ایران دیده می‌شود. از مهم‌ترین این تحولات، شکل‌گیری حکومت‌های نیمه‌مستقل در بخش‌های مختلف، به‌ویژه مناطق شرقی ایران بود. موضوعی که اصفهان این دوره را نیز تحت‌الشعاع قرار داده بود؛ چنانچه در سالیان متمادی از این دوره، اصفهان به‌عنوان قسمتی از قلمروی

این میان عمده پژوهشگران، مکان این روستا را در حوالی امامزاده اسماعیل دانسته و مسجد شعیا که امروزه در کنار این امامزاده قرار دارد را همان مسجد خشینان فرض کرده‌اند.

باغ عیسی بن ایوب - باتوجه‌به نوشته‌های ابونعیم، در نزدیکی محله ساخته شده توسط ایوب بن زیاد، باغی موسوم به باغ عیسی بن ایوب نیز وجود داشته است (ابونعیم اصفهانی، ۱۳۹۷: ۱۲۹). بانی این باغ، شخصی به نام ابومحمد عیسی بن ایوب بود (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۷۱) که از هویت وی اطلاعات چندانی در دست نیست؛ شاید وی از فرزندان ایوب بن زیاد بوده است.

قصر فرقد - نام قصر فرقد در کتاب محاسن اصفهان مافروخی دیده می‌شود (مافروخی، ۱۴۳۱: ۱۰۶؛ آوی، ۱۳۸۵: ۵۲) و بنابراین از کاخ‌های اصفهان در دوره سلجوقی بوده است؛ با این حال براساس نام آن، احتمالاً در اصل پیش از دوره سلجوقی و در قرن دوم هجری ساخته شده بود و به فرقد پدر غالب بن فرقد، ابراهیم بن فرقد و یحیی بن فرقد، از اعراب قبیله بنی‌تیم، تعلق داشته است (همایی، ۱۳۹۸: ۳۴۵؛ احمدی و انتشاری نجف‌آبادی، ۱۴۰۱: ۱۴). درباره مکان این کاخ، جابری انصاری درب کوشک را پیشنهاد داده است (جابری انصاری، بی‌تا: ۴۰۸)؛ با این حال با توجه به وجود واژه «مدینه» در متن مافروخی که در منابع بیشتر برای جی به کار رفته است (شجاعی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۵۹)، احتمالاً منظور نه یهودیه بلکه شهر جی بوده است؛ از این‌رو احتمالاً این کاخ در حوالی شهر جی و رودخانه زاینده‌رود قرار داشته است (احمدی و انتشاری نجف‌آبادی، ۱۴۰۱: ۱۴).

قصر یحیی - نام این قصر در قصیده‌ای از ابوسعید رستمی مدینی، شاعر اصفهانی قرن چهارم هجری، آمده است (آوی، ۱۳۸۵: ۵۸). رفیعی مهرآبادی، بدون ارائه استنادی (سروشیار، ۱۳۵۴: ۳۵)، یحیی را یحیی برمکی دانسته است (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۵۸). با توجه بدان که در وقف‌نامه احمد بن محمد بن رستم، که یکی از کهن‌ترین وقف‌نامه‌های ایران در دوره اسلامی بوده و به احمد بن محمد بن رستم عامل خراج شهر اصفهان در اوایل قرن چهارم هجری، تعلق دارد (طباطبائی زواره، ۱۳۹۳)، از قصر یحیی بن فرقد و ساباط متصل به آن و آسیاب‌های آبی نزدیکش یاد شده است (عابدی، ۱۳۸۳: ۶۵)، به احتمال زیاد همان‌طور که همایی (همایی، ۱۳۹۸: ۳۴۴) نیز اعتقاد دارد، می‌توان مالک این قصر را یحیی بن فرقد دانست. با توجه به دوره زندگی وی، این قصر به قرن دوم هجری تعلق داشته و با درنظر گرفتن مواردی همچون آوردن نام کردآباد، در شرق شهر

۱۴۳۱: ۱۰۶؛ آوی، ۱۳۸۵: ۵۲). با منطبق دانستن جسر حسین و پل شهرستان (شجاعی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۶۰) می‌توان آن را در حوالی رودخانه زاینده‌رود و این پل جای داد (احمدی و انتشاری نجف‌آبادی، ۱۴۰۱: ۱۴). احتمالاً این کاخ متعلق به شخصی به نام خصیب بن سلم بوده است (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۵۷؛ احمدی و انتشاری نجف‌آبادی، ۱۴۰۱: ۱۴)؛ وی از رجال مشهور اصفهانی در قرن سوم هجری بود (آوی، ۱۳۸۵: ۸۹؛ همایی، ۱۳۹۸: ۴۴). در صورت صحت این فرضیه، ساخت بنا در قرن سوم هجری صورت گرفته و تا دوره سلجوقی پابرجا بوده است (احمدی و انتشاری نجف‌آبادی، ۱۴۰۱: ۱۴).

کاخ‌ها و باغ ابوعلی رستم - ابن حوقل در سفرنامه‌اش در قرن چهارم هجری از وجود قصر ابوعلی بن رستم در کنار زاینده‌رود و در نزدیکی آسیاب‌های آبی آن یاد می‌کند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۷). این شخص ابوعلی احمد بن محمد بن رستم بن مطیار قرشی طهرانی مدینی اصفهانی، از دولتمردان و ادیبان اصفهان قرن چهارم هجری بود که علاوه بر این کاخ، حمام (جایی که مرداوینج در آن به قتل رسید) و باغی نیز داشته است (مهدوی، ۱۳۸۶: ۳۰۱). وی را نباید با ابوالحسن علی بن رستم بن مطیار طهرانی اصفهانی سازنده قبه الخضرا جی (آوی، ۱۳۸۵: ۷۶) محدث قرن دوم و اوایل قرن سوم (مهدوی، ۱۳۹۶: ۴؛ ۵۱۱) اشتباه گرفت. از ابوعلی رستم وقف‌نامه‌ای برجای مانده که منبع مهمی در این مقاله به حساب می‌آید (عابدی، ۱۳۸۳: ۷۵-۶۳). با توجه به گزارش ابن مسکویه از وقایع زمان مرداوینج، به نظر می‌رسد که این کاخ در کنار حصار جورین قرار داشت (ابن مسکویه، ۱۴۲۴، ج ۵: ۱۷۸)؛ چنانچه پیشتر اشاره شد، حصار جربین و دروازه جور در جنوب شرق باروی جی (محدوده شمال شرقی پل شهرستان) قرار داشته‌اند (شجاعی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۷۱-۶۳). همچنین در گزارش ابن مسکویه به کاخ دیگری که در آن زمان محل زندگی مرداوینج بوده و سابقاً به علی بن رستم تعلق داشته، اشاره شده است. به نوشته این منبع این کاخ دارای دری به روی شهر و در دیگری به روی بیابان بوده است (ابن مسکویه، ۱۴۲۴، ج ۵: ۱۷۸).

کاخ عبدالرحمن بن زیاد - براساس نوشته‌های ابن حوقل، این قصر در سمت شرقی زاینده‌رود و نزدیک حصار کرینه قرار داشت (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۷). علاوه بر شباهت نام جورین و کرینه، با توجه به اشاره ابن حوقل مبنی بر انجام جشن‌های نوروزی هفت روزه در بازار نزدیک این حصار (ابن حوقل، ۱۳۶۶:

خاندان ابی‌دلف، تحت قیمومیت این حکومت بود (باسورث، ۱۳۸۱: ۳۰۰-۳۰۱). این خاندان از اعراب بنی‌عجل بوده و نفوذ آن‌ها در اصفهان از زمان هارون الرشید شروع می‌شود. از حکام مشهور دلفی می‌توان عبدالعزیز بن ابی‌دلف، دلف بن عبدالعزیز، احمد بن عبدالعزیز، عمر بن عبدالعزیز و بکر ابن عبدالعزیز را نام برد (فروزانی، ۱۳۸۵: ۳۵۲-۳۴۸؛ باسورث، ۱۳۸۱: ۳۰۱-۳۰۰). در این دوره بزرگان و رجال شهر، باغ‌ها و عمارت‌هایی برپا نمودند که نمونه‌های ذیل از قابلیت تشخیص و شناسایی برخوردار گردیده‌اند.

کاخ‌های احمد بن عبدالعزیز - طبق نوشته‌های متون تاریخی، احمد بن عبدالعزیز دلفی (۲۶۵ ه.ق تا ۲۸۰ ه.ق) در اصفهان عمارت‌های مجللی ساخته بود. هنگامی که الموفق، خلیفه عباسی به اصفهان لشکر کشید، احمد به همراه خانواده و خدم خود، از شهر خارج شده و عمارتش به همراه تمامی اسباب و وسایل، به دست الموفق می‌افتد (ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۴۴۸۱). این قصر تا اوایل قرن چهارم هجری برجا بود و مدتی اقامتگاه مرداوینج (۳۱۹ ه.ق تا ۳۲۳ ه.ق) بوده است (فروزانی، ۱۳۸۵: ۳۵۴). در ارتباط با مکان قرارگیری این کاخ شواهد متنی اطلاعاتی به دست نمی‌دهد.

باغ عبدالعزیز - باغ عبدالعزیز به‌عنوان یکی از محلات خارج از باروی اصفهان عصر سلجوقی معرفی شده است (آوی، ۱۳۸۵: ۷۸). با توجه به تسمیه، احتمالاً نام آن برگرفته از باغی بوده که توسط یکی از اعضای خاندان دلفی در قرن چهارم هجری ساخته شده و در دوره سلجوقی در نتیجه گسترش فضاهای شهر، به یکی از محلات حاشیه‌ای اصفهان تبدیل شده بود. همایی با توجه به کاربرد نام باغ دیزا در اسناد کهن برای محله چهارسوی اصفهان و با این فرض که دیزا صورت تغییر یافته باغ عبدالعزیز بوده، جایگاه این باغ را در این محله اصفهان امروزی دانسته است (همایی، ۱۳۹۸: ۵۰۹)؛ فرضی که البته چندان محکم و قابل قبول به نظر نمی‌رسد.

باغ احمد سیاه - براساس گفته مافروخی این باغ یکی از باغ‌های چهارگانه ملک‌شاه سلجوقی در اصفهان بود (آوی، ۱۳۸۵: ۵۰). اما با توجه به وجه تسمیه و نیز اشاره به باغ در قصیده‌ای مربوط به قرن چهارم هجری از ابوسعید رستمی (آوی، ۱۳۸۵: ۵۸)، معلوم می‌شود که در پیش از دوره سلجوقی و توسط احمد بن سیاه دشتی، عامل خراج اصفهان در قرن سوم، در شرق فلکه احمدآباد امروزی ساخته شده بود (احمدی و انتشاری، ۱۴۰۱: ۹).

قصر خصیب - از این قصر نیز مافروخی، نویسنده دوره سلجوقی، در نزدیکی جسر حسین یاد کرده است (مافروخی،

اصفهان این عصر، از رونق افتادن جی و اهمیت یافتن یهودیه به عنوان هسته اصلی شکل‌دهنده اصفهان این عصر (رجائی، ۱۳۸۸: ۵۶ و ۶۱) و ساخت بارویی دورتادور آن بود (آوی، ۱۳۸۵: ۷۸-۷۷). در نتیجه این تحولات، شاکله شهر تا دوران صفوی تثبیت می‌شود. به غیر از کاخ‌های ابوعلی بن رستم، عبدالرحمن بن زیاد و احتمالاً ابوالفضل که در قرن قبلی ساخته شده و در این زمان مورد استفاده بوده‌اند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۷)، دیگر کاخ‌ها و عمارت‌های ساخته شده در اصفهان این قرن، بدین قرار بوده‌اند.

عمارت‌های دیلمی میدان میر - از جمله فضاهای شهری معدوم شده اصفهان میدان میر بوده است. برخی رکن‌الدوله دیلمی (جابری انصاری، بی‌تا: ۱۸) و برخی تیمور گورکانی (تحویلدار، ۱۳۸۸: ۲۱) را سازنده آن دانسته‌اند؛ با این وجود بیشتر پژوهشگران آن را از فضاهای شهری ایجاد شده در دوره دیلمی محسوب کرده‌اند (سروشیار، ۱۳۵۴: ۳۹؛ همایی، ۱۳۹۰: ۳۷؛ ۱۳۹۸: ۲۹۳). با توجه به روایت‌های گذشتگان (جابری انصاری، بی‌تا: ۲۵۰؛ هنرفر، ۱۳۵۰: ۳۷؛ همایی، ۱۳۹۸: ۲۹۳) در اطراف این میدان عمارت‌های مسکونی حکام دیلمی قرار داشته است. جایگاه قرارگیری این میدان مابین کوچه‌های میدان میر، کوچه حمام جنت و خیابان ولیعصر امروزی بوده است. این میدان احتمالاً در دوره قاجار تخریب شده است (گلایی، ۱۳۹۰: ۸۷).

قصر مغیره - ابوسعید رستمی مدینی شاعر اصفهانی قرن چهارم هجری ابیاتی به زبان عربی در توصیف این قصر آورده است (ر.ک: آوی، ۱۳۸۵: ۱۴۹ و ۵۷؛ همایی، ۱۳۹۸: ۳۴۴-۳۴۲). به گفته مدینی قصر مغیره در نزدیکی جسر حسین (پل شهرستان) قرار داشت. بنابر نظر همایی مالک این قصر، احتمالاً مغیره بن شعبه، والی بصره در زمان عمر بن خطاب بوده است (همایی، ۱۳۹۸: ۳۴۴). با در نظر گرفتن دوره و مکان زندگی مغیره بن شعبه و شرایط زمامداری این دوره، این انتساب چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. شاید این کاخ منتسب به محمد بن مغیره یا فردی از دودمان وی بوده باشد؛ محمد بن مغیره، جد پدری ابن رسته (مهدوی، ۱۳۸۶: ۱۶۲) از اعقاب عبدالله بن ابی مریم اموی، قاضی اصفهان در زمان حجاج بن یوسف ثقفی بوده است (همایی، ۱۳۹۵: ۴۶) و بسیاری از محدثان اصفهان از جمله ابراهیم مدینی (متوفی قرن چهارم)، ابراهیم نائله (متوفی قرن سوم)، ابراهیم بن رسته (متوفی قرن چهارم) و احمد شیبانی (متوفی قرن سوم) (ر.ک: مهدوی، ۱۳۸۶: ۳۷۴-۴۶)، از وی حدیث نقل کرده‌اند. توصیف این قصر همزمان با دوره زندگی محمد بن مغیره، می‌تواند چنین نظری را تقویت نماید.

و آن که مافروخی محل انجام چنین جشنی را در بازاری مقابل دروازه جور معرفی کرده (آوی، ۱۳۸۵: ۴۰)، به احتمال زیاد این دو بر یک مکان دلالت داشته است؛ بر همین اساس با توجه به مکان قرارگیری دروازه جور (درباره مکان این دروازه ر.ک: شجاعی اصفهانی، ۱۳۹۳)، قصر عبدالرحمن در جنوب شرق جی و شمال پل شهرستان قرار داشته است. این قصر به عبدالرحمن بن زیاد، از بزرگان اصفهان در قرن سوم هجری که با عمر بن عبدالعزیز عجلی، از حاکمان اصفهان در قرن سوم هجری، معاصر بود (همایی، ۱۳۹۵: ۱۷۰)، تعلق داشته است.

قصر دروازه آسیاب نصرویه - مافروخی در بخشی از نوشتارش که به معرفی قصرهای اصفهان تعلق دارد از جایی با عنوان «باب رحی نصرویه بفنادشته» یاد کرده (مافروخی، ۱۴۳۱: ۱۰۶) که براساس وقفنامه احمد بن محمد بن رستم احتمالاً در حوالی جی و نزدیکی رودخانه زاینده‌رود قرار داشته است (احمدی و انتشاری نجف‌آبادی، ۱۴۰۱: ۱۵). درباره ماهیت این بنا و مالکش اطلاعات بیشتری وجود ندارد.

قصر ابوالفضل - اطلاع از این قصر براساس نوشته‌های ابن حوقل امکان‌پذیر شده است؛ چنانکه وی اشاره کرده، این بنا در کنار حصار کرینه و نزدیکی قصر عبدالرحمن بن زیاد قرار داشته است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۷). در ارتباط با هویت صاحب این قصر، با در نظر گرفتن تعلق برخی از قصرهای معرفی شده توسط ابن حوقل به بزرگان قرن سوم هجری اصفهان، احتمالاً مالک این قصر ابوالفضل عبیدالله بن سعد، قاضی سرشناس اصفهان در قرن سوم هجری و از نوادگان عبدالرحمن بن عوف (صحابه پیامبر) بوده است (برای اطلاع از هویت این شخص ر. ک: همایی، ۱۳۹۵: ۱۳۰).

عمارت‌ها و باغ‌های اصفهان از قرن چهارم تا اوایل قرن پنجم هجری (پیش از دوره سلجوقی)

پیدایش سلسله‌های نیمه‌مستقل ایرانی به ویژه حکومت‌های شکل‌یافته در مناطق شمالی ایران، در قرن چهارم هجری شتاب بیشتری یافت؛ موضوعی که بر تاریخ سیاسی اصفهان این عصر نیز تأثیر گذاشت و با قرار گرفتن این شهر در قلمرو حکومت‌های آل‌بویه و آل‌کاکویه و بعضاً پایتختی اصفهان در مقاطعی از این دوران، در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فضاهای شهری این شهر تغییرات بسیار ایجاد می‌شود (ر.ک: کجیاب، ۱۳۹۴: ۱-۱۹؛ غلامی فیروزجائی و پرویش، ۱۳۹۳؛ کسائی، ۱۳۷۶). از مهمترین تغییرات و تحولات در فضاهای شهری

قصر ابن خارجه - سید فضل‌الله راوندی شاعر قرم ششم هجری قمری، در شعری از این قصر یاد کرده است (همایی، ۱۳۹۸: ۳۵۲). احتمالاً این بنا در نزدیکی پل شهرستان قرار داشت (احمدی و انتشاری نجف‌آبادی، ۱۴۰۱: ۱۶). وی یکی از رؤسا و کدخدایان اصفهان بود که حکایت او و رکن‌الدوله دیلمی مشهور است (آوی، ۱۳۸۵: ۱۲۰-۱۱۸). با توجه به این حکایت مافروخی و صحبت کردن او به زبان قدیم اصفهانی (ر.ک: برجیان، ۱۳۹۲) در آن به احتمال زیاد، این خارجه اصالتاً اصفهانی بوده است (احمدی و انتشاری نجف‌آبادی، ۱۴۰۱: ۱۶). همچنین می‌توان گفت که کاخ وی تا زمان حیات راوندی، یعنی قرن ششم هجری، پا برجا بوده است.

قصر مؤیدالدوله - موجودیت این بنا با توجه نوشته‌های مافروخی در ارتباط با ماجرای استراق سمع مؤیدالدوله دیلمی، از امرای بویه اصفهان در قرن چهارم هجری (سجادی، ۱۳۸۳: ۶۳۸-۶۳۷)، از پشت‌بام قصرش (آوی، ۱۳۸۵: ۱۲۱-۱۲۰)، مشخص می‌شود؛ با این وجود مشخص نیست که این قصر بنایی مستقل یا یکی از قصور دیلمی میدان میر بوده است. چنانچه نوشته‌های مافروخی نشان می‌دهد، این بنا در مکانی شلوغ و مملو از جمعیت قرار داشت (آوی، ۱۳۸۵: ۱۲۱)؛ بر این اساس احتمالاً جایگاه آن در نواحی مرکزی و در نزدیکی بناهای دیوانی شهر بوده است (گلایبی، ۱۳۹۰: ۸۶)؛ بر این اساس می‌توان میدان کهنه یا میدان میر را مکان احتمالی این کاخ دانست.

سرای صاحب بن عباد - براساس محتوای اشعار افرادی همچون ابوالحسن صاحب برید و ابوالقاسم بن ابوالعلاء، صاحب بن عباد (۳۲۶-۳۷۵ ه.ق)، وزیر شیعه مذهب آل‌بویه، علاوه بر ری (صدرهاشمی، ۱۳۴۳: ۶۱) عمارتی در اصفهان داشته است (همایی، ۱۳۸۵: ۶۰). جایگاه آن در محله امروزی طوقچی اصفهان بوده (کلمبک، ۱۹۷۴: ۲۶) و در ارتباط با چگونگی فضاهای آن اخباری در دست نیست.

نتیجه‌گیری

کاخ‌ها و باغ‌های اصفهان در قرون متقدم اسلامی، در دو دسته کاخ‌های حکومتی و کاخ‌ها و باغ‌های خصوصی اشخاص، جای می‌گیرند. نمونه‌های حکومتی، در فاصله قرون ۱ تا ۳ هجری، به حاکمان و عاملان عرب و در قرون چهارم و پنجم هجری، به حاکمان دیلمی اصفهان تعلق داشته است. کاخ‌ها و باغ‌های خصوصی، به نسبت عمارت‌های حکومتی، فراوانی بسیار بیشتری

داشته و در قرون اول تا سوم هجری، به اشراف، امراء و صاحب منصبان عرب و به ویژه اعضای خاندان بنی‌تمیم و در قرون چهارم و پنجم هجری، به اشراف دیلمی ساکن در اصفهان تعلق داشته است. همچنین اندک تعدادی از کاخ‌های این دسته نیز به اشراف بومی و محلی شهر، اختصاص داشته است. به واسطه مواردی همچون ضعف حکام منسوب خلفا، عدم مرکزیت اصفهان در سه قرن اول هجری و تمرکز قدرت و پایتختی اصفهان در دوره دیلمیان، کاخ‌ها و باغ‌های سلطنتی در قرون چهارم و پنجم هجری، در مقایسه با نمونه‌های قرون اول تا سوم هجری، فراوانی بیشتری داشته است. در مجموع، کاخ‌های حکومتی در بافت شهر قرار داشته و در کنار مسجد از عناصر اصلی و کالبدی میدان شهر محسوب می‌شده است. در دوره زمامداری امویان، کاخ حکومتی، با توجه به اهمیت و جایگاه جی به عنوان مرکز اداری اصفهان، در داخل حصار این شهر قرار داشت و به سنت اوایل دوره اسلامی، در کنار جامع شهر ساخته شده بود. با این وجود در دوره عباسی به منظور رونق اصفهان جدید به مرکزیت یهودیه، کاخ حکومتی با مرکزیت میدان، در کنار یهودیه و همنشین با مجموعه‌ای از بناهای مذهبی و عام‌المنفعه ساخته می‌شود. در ادامه روند اهمیت یافتن یهودیه در برابر جی، در دوره دیلمی نیز، مجموعه‌ای از کاخ‌های حکومتی به همراه عناصری چون مسجد و بازار در کنار میدانی جدید به عنوان کالبد اصلی شهر جدید، در یهودیه ایجاد می‌شود. کاخ‌ها و باغ‌های خصوصی، در نتیجه مواردی همچون بهره‌گیری از منظره دلپذیر حومه شهر، اجتناب از ازدحام جمعیت و بهره‌گیری از آب و چشم‌انداز رودخانه زاینده‌رود، عمدتاً در خارج از باروی جی و یهودیه، در نزدیکی زاینده‌رود و به ویژه نواحی پیرامونی پل شهرستان ساخته می‌شدند. اگرچه در نتیجه تغییر مرکز شهری اصفهان از جی به یهودیه در قرن چهارم هجری، موقعیت مکانی کاخ‌های حکومتی دستخوش تغییراتی شد، با این وجود، بیشتر کاخ‌ها و باغ‌های اعیانی، همانند قرون اولیه، کماکان در نزدیکی جی و ساحل زاینده‌رود ساخته می‌شدند.

فهرست منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۲). *تاریخ کامل*. ترجمه حمیدرضا آذیر، ج ۱۰. تهران: اساطیر.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۳۶۶). *سفرنامه ابن حوقل؛ ایران در صور الارض*. ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- ابن‌رسته، احمد بن عمر. (۱۳۶۵). *الاعلاق النفیسه*. ترجمه و تعلیق حسین قره‌چانلو، تهران: امیرکبیر.

عبدالستار عثمان، محمد. (۱۳۷۶). *مدینه اسلامی*. ترجمه علی چراغی، تهران: امیرکبیر.

غلامی فیروزجائی، علی و پرویش، محسن. (۱۳۹۳). وضعیت اقتصادی اصفهان در دوران آل بویه. *پژوهش‌های تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، ۳ (۲)، ۵۱-۶۸.

فروزانی، سید ابوالقاسم. (۱۳۸۵). اوضاع سیاسی اصفهان در قرون نخستین هجری. *مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت اصفهان*، به کوشش فضل‌الله صلواتی، تهران: اطلاعات، ۳۴۰-۳۵۵.

کجباف، علی‌اکبر. (۱۳۹۴). *اصفهان در دوره سلجوقیان*. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری، مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل.

کسائی، نورالله. (۱۳۷۶). اصفهان در روزگار آل بویه و سلجوقیان. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۹، ۲۰۲-۱۷۶.

گلایی، مجید. (۱۳۹۰). *شهرسازی اصفهان از دوره ساسانی تا پایان دوره سلجوقی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی جواد نیستانی، دانشگاه تربیت‌مدرس تهران (منتشر نشده).

لاکهارت، لارنس. (۱۳۸۵). نگاهی به تاریخ اصفهان. ترجمه افرا بانک، *گلستان هنر*، ۵، ۳۸-۲۷.

مافروخی، مفضل بن سعد. (۱۴۳۱). *محاسن اصفهان*. بتحقیق عارف احمد عبدالغنی، دمشق: دار کنان.

مهدوی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۶). *اعلام اصفهان*. ج ۱، تصحیح، تحقیق و اضافات غلامرضا نصراللهی، اصفهان: سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان.

مهریار، محمد. (۱۳۸۶). اصفهان در هزار سال پیش. *فرهنگ اصفهان*، ۲۵، ۳۰-۴۱.

میرفتاح، علی‌اصغر. (۱۳۵۵). آثار باستانی جی باستان. *بررسی‌های تاریخی*، ۱۱ (۶)، ۱-۴۶.

همایی، جلال‌الدین. (۱۳۹۰). *تاریخ اصفهان مجلد ابنیه و عمارات (تممه)*. به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

همایی، جلال‌الدین. (۱۳۹۵). *تاریخ اصفهان مجلد حوادث و وقایع و حکام و سلاطین اصفهان*. به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

همایی، جلال‌الدین. (۱۳۹۸). *تاریخ اصفهان مجلد جغرافیای اصفهان*. به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

هنر فر، لطف‌الله. (۱۳۴۸). امامزاده اسماعیل اصفهان. *معارف اسلامی*، ۸، ۹۹-۹۳.

هنر فر، لطف‌الله. (۱۳۵۰). *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*. اصفهان: نقفی.

یعقوبی، احمد بن واضع. (۱۳۹۳). *البلدان*. ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

ابن مسکویه، احمد بن محمد. (۱۴۲۴). *تجارب الأمم و تعاقب الهمم*. تحقیق و تنظیم سید کسروی حسن، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابوشیخ انصاری، عبدالله بن محمد. (۱۴۰۷). *طبقات محدثین باصفهان و والوردین علیها*. در اسه و تحقیق عبدالغفور عبدالحق حسین بلوشی، بیروت: مؤسسه الرساله.

ابونعیم اصفهانی. (۱۳۹۷). *ذکر اخبار اصفهان*. ترجمه نورالله کسائی، تهران: سروش.

احمدی، عباسعلی و انتشاری نجف‌آبادی، علیرضا. (۱۴۰۱). بازبایی کاخ‌ها و باغ‌های اصفهان عصر سلجوقی به استناد مکتوبات تاریخی. *فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی*، ۱۴ (۵۳)، ۱-۲۵.

استرابو. (۱۳۹۶). *جغرافیای استرابو سرزمین‌های زیر فرمان هخامنشیان*. ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: بنیاد محمود افشار.

آوی، حسین بن محمد. (۱۳۸۵). *ترجمه محاسن اصفهان*. اصفهان: انتشارات فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان.

باسورث، کلیفورد ادموند. (۱۳۸۱). *سلسله‌های اسلامی جدید راهنمای گاهشماری و تبارشناسی*. ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: باز.

برجیان، حبیب. (۱۳۹۲). زبان شهر اصفهان کی و چگونه فارسی شد؟ *زبان‌ها و گویش‌های ایرانی (ویژه‌نامه فرهنگستان)*، ۳، ۱۱۰-۹۱.

تحویلدار، میرزا حسین خان. (۱۳۸۸). *جغرافیای اصفهان*. به کوشش الهه تیرا، تهران: اختران.

جابری انصاری، محمدحسن. (بی‌تا). *تاریخ اصفهان و ری و همه جهان*. بی‌جا: حسین عمادزاده.

حبیبی، محسن. (۱۳۸۰). *از شار تا شهر تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن*. تهران: دانشگاه تهران.

ذاکرعاملی، لیلان. (۱۳۹۶). روش‌شناسی تعیین حریم جی باستان. *فصلنامه علمی فنی هنری اثر*، ۷۹، ۶۰-۴۷.

رجائی، عبدالمهدی. (۱۳۸۸). شهر اصفهان از نگاه جغرافی‌نویسان مسلمان (سده سوم تا هشتم)، *گنجینه اسناد*، ۱۹ (۴)، ۶۶-۵۵.

رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم. (۱۳۵۲). *آثار ملی اصفهان*. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی ایران.

سجادی، صادق. (۱۳۸۳). «آل بویه». در *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: بنیاد دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. سروشیار، جمشید. (۱۳۵۴). *حاشیه‌ای بر یک کتاب آثار ملی اصفهان* تألیف ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی. نگین، ۱۲۷، ۴۰-۳۴.

شجاعی اصفهانی، علی. (۱۳۹۳). مکان‌یابی شهرهای جی و یهودیه در رستاق جی اصفهان و جابه‌جایی مرکز قدرت تا برآمدن سلجوقیان. *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، ۴ (۱)، ۷۶-۵۷.

شرافت، علیرضا و زرشناس، زهره. (۱۳۹۵). پیامدهای فرهنگی و اجتماعی فتح اصفهان به دست اعراب. *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۷ (۲)، ۱۹-۳۹.

صدرهاشمی، محمد. (۱۳۴۳). آرامگاه صاحب بن عباد در اصفهان. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۱، ۶۴-۵۸.

عابدی، محمدامین. (۱۳۸۳). متن وقف‌نامه احمد بن محمد بن رستم. *وقف میراث جاویدان*، ۴۶، ۷۵-۶۳.

طباطبائی زواره، سید محمدعلی. (۱۳۸۳). *موقوفات احمد بن محمد بن رستم*. *وقف میراث جاویدان*، ۴۶، ۶۲-۵۶.